

واکاوی شیعه‌گری و ماهیت مذهبی فرقه اهل حق غرب ایران

محمد رضا بارانی^۱
نصرت بانو عزیزی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

چکیده:

با توجه به اختلاف‌های بسیار بین باورهای انشعاب‌های داخلی یک دین و مذهب در شناخت باورهای اصیل و ارتباط فکری میان مذاهب نقش بسیار مهمی دارد. در این میان شناخت فرقه‌ها و گروه‌های مختلف شیعی به دلیل تاثیرگذاری از فرایند حوادث مهم تاریخ اسلام از جایگاه ارزشمندی برخوردار است. دیدگاه‌های اشتباهی درباره این فرقه پدید آمده که از «سر مگو» بودن اسرار اهل حق نزد آنان سرچشمه گرفته است، تا جایی که گروه‌های اهل حق، علی‌اللهی و شیطان پرستان را در یک رده به شمار آورده و تفکیک آنان از گروه‌های غالی و شباهت‌های اعتقادی برخی خاندان‌های اهل حق با تشیع دوازده امامی، نیازمند دانستن ماهیت فکری و مذهبی آنان است. در این راستا بررسی پیدایش این فرقه و بنیانگذاران آن، باورهای آنان در اصول دین و به ویژه امامت، تعداد امامان و جایگاه امام و نیز برخی آداب و احکام دینی آنان مانند نماز، روزه، قبله، حج و مقدسات پنجگانه این فرقه از مسایل مهم برای پژوهش است. در این پژوهش شیعه‌گری فرقه اهل حق غرب ایران و با تکیه بر کرمانشاه و شناخت مبانی فکری و مذهبی این فرقه، با تکیه بر اسناد فرقه اهل حق و سخنان پیروان این فرقه انجام شده است و به گونه‌ای تحقیق میدانی بوده است.

کلیدواژه: اهل حق، ماهیت فکری، ماهیت مذهبی، جم، یارسان

^۱ . استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء تهران، ایران (نویسنده مسئول). (m.barani@alzahra.ac.ir)

^۲ . دکترای تاریخ تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی (azizi.nb1386@gmail.com)

مقدمه

اختلاف در باورها و عقاید مذهبی ریشه بسیار کهنی دارد و در آیین اسلام هم پس از رحلت پیامبر (ص) اختلاف در باورهای مسلمانان آغاز شد هر چند ریشه اختلاف به زمان زندگی پیامبر (ص) بر می‌گردد. یکی از گروه‌های بزرگ اسلامی، شیعیان هستند که خود دسته بندی‌های بسیاری دارند. یکی از انشعاب‌ها در بین شیعیان توسط رهبران اهل حق ایجاد شده که در سده‌های گذشته و امروز پیروانی داشته است. به باور برخی، اهل حق یا یارسان یک مسلک عرفانی و صوفیانه تندرو است که در قرن هفتم یا هشتم هجری توسط سلطان اسحاق (سهاک یا سحاک) در مناطق غرب ایران بنیان گذاشته شده و تا آن زمان چنین راه و روشی پیشینه نداشته است. گرچه این باور درست نیست (بهرامی، ۱۳۷۸: ۲۴) و باید گفت این آیین ترکیبی از ادیان مختلف مهرپرستی، زرتشتی و هندوئیسم است و در غرب ایران پدیدار شده است (خواجه الدین، ۱۳۶۲: ۱۱۲-۱۱۳؛ بهرامی، ۱۳۷۸: ۲۴) رهبران این فرقه عموماً لر و کرد بوده‌اند و بر اساس اعتقادات آنان به جز علی (ع) ظهور ذات حق در افراد برگزیده از اهالی لرستان و کردستان می‌باشد و نیز کتاب‌ها و دفاتر مذهبی و دعا‌های آنان بیشتر به زبان کردی و یا لری نوشته شده است. (خدابنده، ۱۳۸۸: ۲۰۳)

این فرقه به نام‌های مختلفی مانند: آیین حقیقت، دین یاری و علی‌اللهی نامیده می‌شود و شناخته شده‌ترین آنها اهل حق است که بیش از هر مسلک یا مذهبی در مورد آن تناقض‌گویی شده است. (بهرامی، ۱۳۷۸: ۱۹ و ۲۵)

درباره این فرقه، تاریخچه و پراکندگی جغرافیایی آن کتاب‌های زیادی نوشته شده است. هدف این پژوهش بررسی چستی و حقیقت فکری و مذهبی (اعتقادات مذهبی) این فرقه در دوران معاصر است که کمتر به آن پرداخته شده و اهمیت زیادی دارد و امروزه پرسش‌هایی درباره باورهای آنان در بین مسلمانان مطرح است.

در این نوشتار گزارش‌های معتبری درباره تاریخچه فرقه اهل حق غرب ایران و کرمانشاه، باورها، مقدسات، ارکان فکری، ارتباط اعتقادی آنان با شیعه دوازده امامی، اختلاف فکری آنان، سنت‌ها و آداب و رسوم و متون مذهبی این فرقه ارایه می‌شود تا ماهیت فکری و مذهبی این فرقه بازشناسی شود. روش گردآوری داده‌ها تنها کتاب‌های موجود نیست بلکه این پژوهش به دلیل کمبود داده‌های مکتوب در این زمینه، نیازمند تحقیقات میدانی و مشاهده از نزدیک و بدون واسطه بود که تلاش زیادی در این زمینه شده است.

پرسش‌های مهم این پژوهش این است که فرقه اهل حق غرب ایران و به ویژه کرمانشاه بر پایه چه آموزه‌هایی به عنوان یکی از فرقه‌های شیعی شمرده شده است؟ دیدگاه اهل حق درباره شیعی بودن خودشان و این فرقه چیست؟ فرضیه‌های مطرح، چنین است که فرقه اهل حق یکی از فرقه‌های شیعه عالی شمرده می‌شود و تنها برخی از گروه‌های اهل حق، شیعه هستند و یا این که فرقه اهل حق، امامان شیعه را مانند دیگر شیعیان قبول دارند.

در زمینه پیشینه تحقیق گفتنی است، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری تاکنون به معرفی فرقه اهل حق پرداخته اند که یکی از مهم‌ترین آنها، دو مقاله چاپ شده در ۱۹۲۰ و کتاب چاپ شده در ۱۹۲۲ از پروفیسور ولادیمیر مینورسکی روسی است که آنان را به گروه عالی شیعه ایران در سده نهم قمری نسبت داده و این که در ترکیه به نام «قزلباش»، در آذربایجان به نام «قره قویونلو» و «گورنلو»، در رضائیه «ابدال بی»، در قزوین «کاکاوند» و در مازندران «خوجه وند» نامیده شده اند.

کتاب دیگر «شناخت فرقه اهل حق» اثر آقای عبدالله خدابنده می‌باشد که به صورت مبسوط به معرفی این فرقه پرداخته است. نویسنده کتاب علاوه بر بررسی کتب اهل حق سالیان بسیار در بین اهل حق زندگی کرده است و بسیاری از نوشته‌های ایشان از مشاهده‌های عینی اوست. همچنین کتاب آشنایی با فرق تشیع مختصری به این فرقه پرداخته است و بسیاری از کتاب‌های تاریخ ادیان و مذاهب و فرقه شناسی این مطالب را با اندکی تغییر در آثار خود ذکر کرده اند.

چندین پایان نامه نیز در باره فرقه اهل حق در مقاطع مختلف نوشته شده است که می‌توان به پایان نامه ارشد احمد ملک حسینی با عنوان «تاثیر آراء و افکار ایران پیش از اسلام در فرقه اهل حق» (دانشگاه تهران، ۱۳۷۴)، پایان نامه ارشد سیف الله رنجبر با عنوان «پژوهشی در تاریخ و آیین اهل حق» (دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱) و همچنین پایان نامه علی مرادی با عنوان «آداب و رسوم فرقه اهل حق» (دانشگاه آزاد تاکستان، ۱۳۷۷) اشاره کرد.

نیز مقالات بسیاری در این باب نوشته شده است که بیشتر آنها برگرفته از مقاله‌ها و کتاب‌های دکتر محمد مکرری (سفیر ایران در شوروی سابق) می‌باشد. از مقالات نوشته شده در باب اهل حق و اصول اعتقادی آنان می‌توان به مقالات دکتر حشمت الله طیبی، اسماعیل قبادی و صدیق صفی زاده اشاره کرد. نکته مهم این که هیچ کدام از این آثار به بررسی ماهیت فکری و مذهبی این فرقه و ارتباط آنان با شیعه نپرداخته‌اند.

بیشتر منابعی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است از کتاب‌های اهل حق بوده که توسط بزرگان آنها نوشته و یا گردآوری شده اند. خاندان الهی، بیشترین مکتوبات را دارند و بیشتر

این مکتوبات در پنجاه سال اخیر به چاپ رسیده و بیشتر تاریخ اهل حق، تاریخ شفاهی است و در نتیجه گاهی تناقض‌های بسیاری در سخنان و متون آنان دیده می‌شود. از کتاب‌های چاپ شده این فرقه می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

۱- کتاب آثار الحق گفتارهایی از نور علی الهی که این کتاب در مدت ده سال از گفتارهای (جمله-های) نور علی الهی توسط فرزندش دکتر بهرام الهی در دو جلد گردآوری شده است و یک کتاب عرفانی و اخلاقی شمرده می‌شود و شامل سفارش‌های اخلاقی و عرفانی برای سلوک است.

۲- کتاب حق الحقایق یا شاهنامه حقیقت اثر حاج نعمه الله جیحون آبادی به زبان فارسی که تاریخ منظوم بزرگان اهل حق از آفرینش جهان، خلقت آدم (ع) و ظهور سایر انبیا تا ظهور ذات حق در افراد خاص و شرح زندگی ائمه و بزرگان اهل حق که در یک مقدمه و چهار بخش تالیف شده و بسیاری از اعتقادات و احکام اهل حق را برای عموم اهل حق نوشته است و خاندان شاه حیاسی به آن توجه ویژه ای دارند.

۳- کتاب دیوان گوره تنها دیوان مکتوب و کتاب مقدس و کلام منظوم عصر سلطان سحاک توسط او و یارانش به زبان کردی به نظم درآمده و یکی از افراد آن زمان به رشته تحریر درآمده و این کتاب توسط آقای سید محمد حسینی گردآوری شده و درباره اعتقادات و احکام اهل حق است.

۴- دوره هفتوانه جزوی از نامه "مینوی سرانجام" که توسط آقای صدیق صفی زاده تفسیر و تالیف شده است. بخش اول آن شامل تحقیقی درباره تاریخ تشکیل و عقاید یارسان و مجموعه کتاب‌ها و رساله‌های اهل حق است که در قرن ۷ و ۸ تدوین شده است و «سرانجام» نام گرفته است که دارای ۶ بخش است و از آفرینش جهان آغاز شده و چگونگی خلقت هر یک از بزرگان اهل حق از زبان آنها شرح داده شده است که به صورت منظوم به دو زبان کردی و فارسی نوشته شده است. نویسندگان به خاطر نبود منابع معتبر درباره باورهای اهل حق، دیدگاه‌های گوناگونی نوشته‌اند و با توجه به موقعیت استراتژیکی خاص آنان و استقرار در مرزهای ایران، گروه‌هایی در پی جذب آنان و اندیشه‌هایشان برآمده و پژوهش در این زمینه بسیار ارزشمند و کاربردی خواهد بود.

۱. تاریخچه اهل حق:

اهل حق یعنی عمل به دستوراتی که انسان را به حق می‌رساند و تنها برای خرسندی خدا باشد (لاغیر) آثار الحق، الهی، ۱۳۷۳، جلد ۲: ۴۴۹) گاهی پیروان اهل حق را به نادرستی علی الهی می‌نامند و امروزه به نام یارسان به معنی یار: محبوب و مقصود (آفریدگار) و سان: طرفدار، دوستدار، جويا و پیرو خدا و اهل حق معروف هستند و خود معتقدند که همان خدایی را که سایر ادیان به آن معتقدند به نام صاحب کرم و "خاوندکار" که واژه کردی و مشتق از زبان اوستایی می‌باشد، ستایش

می‌نمایند. با آداب و رسوم ویژه و اعتقاداتی که خاص این دین و مردم یارسان می‌باشد و بر این باورند که خالق جهان و تمام مخلوقات یکی می‌باشد و دارای یک ذات واحد است و حضرت سلطان را جلوه‌ای از حق و این ذات می‌دانند. (حسینی، ۱۳۸۲: ۷۱۴، ۷۱۳) سیدقاسم افضلی از پیشوایان شاه ابراهیمی در نامه‌ای که به دایره المعارف اسلامی درباره مقاله اهل حق نوشته است، اهل حق را کاملاً از علی الهی و شیطان پرستان جدا می‌داند. (افضلی شاه ابراهیمی، بی تا، جلد ۳: ۶۵۸)

درباره تاریخچه فرقه اهل حق اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد زیرا در کتب قدیمی مربوط به ادیان مانند «الفرق بین الفرق» و «بیان الادیان» و «ملل و نحل شهرستانی» از آثار قرن پنجم و ششم، نامی از این آیین برده نشده است. گرچه پیروان این فرقه تلاش داشته تا اسرار خود را آشکار نکنند و سبب گردیده تاریخ پیدایش باورها و آیین های اهل حق ناشناخته بماند و نگارش نکردن تاریخ و عقاید این فرقه در قرنهای گذشته نیز سبب دیگری شده که گاه اختلافات بسیار زیادی بین نظرات آنها به وجود آید چون پیروان این فرقه سعی کرده اند عقاید و تاریخ خود را در شعر و سینه به سینه حفظ کنند و در این میان بسیاری از اشعار نیز تغییر کرده و یا مطالبی از آنها حذف و اضافه شده است؛ زیرا اعتقاد دارند که مسلکشان دارای رازها و اسرار ناگفته است، پس شناخت این فرقه با دشواری‌هایی روبروست و در دهه‌های گذشته با چاپ کتاب اهل حق تا اندازه‌ای می‌توان به ماهیت این فرقه پی برد.

محمدعلی سلطانی از پژوهشگران، تاریخ پیدایش این فرقه را با توجه به متون کردی، در قرن سوم هجری می‌داند که از پیوستن خرم دینان به رهبران قیام‌های علوی و پذیرش اندیشه اصلاحگری رهبران علوی در باورهای آنان تشکیل شده و رهبر قیام علویان حسین بن مسعود کردی معروف به مبارک شاه (شاه خوشین) بنیانگذار آن بوده است و دیگر رهبران جنبش علویان در کوهپایه‌های زاگرس عبارتند از: سیدابراهیم (بابا ناوس)، سیدمحمد زاهد علوی (پیر خضر شاهوی)، سیدبابا علی همدانی، سیدموسی علوی برزنجدی (۷۰۷ - ۶۸۶ق)، سید عیسی علوی برزنجدی (۷۵۴ق)، سیداسحاق علوی برزنجدی (۷۵۴ق دوره حقیقت) (سلطانی، ۱۳۷۶: ۲۶ - ۲۸) بنابراین در این جا می‌توان شاهدی برای ارتباط این گروه در سده‌های اول اسلام با علویان را یافت و به ویژه که نسبت آنان علوی بوده و برخی سید بوده اند، نشانگر ارتباط آنان با علویان و سادات بوده و زمینه گرایش به باورهای شیعی فراهم بوده است. از سویی در منابع فرقه‌نگاری و تاریخی در زمینه باورهای شیعی آنان سخنی آورده نشده، بنابراین انتساب گرایش شیعی به آنان نیازمند بررسی باورها و آداب و احکام مذهبی این گروه است.

بنا به نامه سرانجام این مسلک از روز ازل و در عالم ذر که خداوند با ارواح آدمیان به محاوره پرداخته و از آنان بر الوهیت خود اقرار گرفته پی‌ریزی شده است (صفی زاده، ۱۳۶۱: ۸۷) و یا بر طبق برخی اسناد این مسلک در قرن دوم هجری توسط بهلول کوفی (آثار الحق؛ الهی، ۱۳۷۳، جلد ۲: ۴۱۰، هارون الرشید و بهلول را برادر می‌داند.) (معاصر هارون الرشید) و یارانش با استفاده از عقاید و ذخایر معنوی ایران مانند آیین زرتشتی و مانوی و بهره‌گیری از دین اسلام و آیین مسیحی و کلیمی به وجود آمده است. (صفی زاده، ۱۳۶۰: ۲)

بر پایه کلام سرانجام (کتاب مقدس اهل حق)، مسلک اهل حق از روز ازل وجود داشته و تعلیماتش به صورت سیر نزد انبیا و اولیا بوده و در هر دوران به گروه معدودی از یاران محرم منتقل شده‌است تا اینکه در قرن هفتم هجری، سلطان اسحاق آن اسرار ازلی را به صورت قانون به یارانش ابلاغ کرد، از این رو، وی بنیانگذار این مسلک محسوب می‌شود. (صفی زاده، ۱۳۸۷: ۲۱)

سلطان اسحاق (سحاک یا صحاک) در مناطق کردنشین (احتمالاً جاف بوده است) بین ایران و عراق ظهور کرد و پس از مرگ پدرش شیخ عیسی، به منطقه اورامان ایران مهاجرت کرد. اگر او را مؤسس فرقه اهل حق ندانیم، لااقل باید او را بزرگترین مجدد و احیاگر این آیین دانست. او بود که مذهبی با عقاید و آیین مشخص ابداع کرد و اهل حق را از مناطق مختلف کردنشین دور خویش جمع کرد و آنها را سازماندهی کرد. (خدابنده، ۱۳۸۸: ۳۸، ۳۹)

در این زمان مسلک اهل حق که مسلک غالب غلات شیعه ناحیه کردستان و لرستان است، رواج و رسمیت می‌یابد و اسرار حقیقت به صورت قانون و ارکان دین به معتقدین و سرسپردگان آیین حقیقت ابلاغ می‌شود، بدین سبب سلطان اسحاق را مؤسس و مجدد مسلک اهل حق که بزرگترین فرقه از فرق غلات شیعه است، می‌دانند. (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۳۲۳) هر چند در جزئیات این قضیه باز هم بین خاندانها اختلاف نظر وجود دارد. اما کلیه خاندانهای اهل حق سلطان اسحاق را مقنن و مدون این فرقه در قرن ۷ ق می‌دانند. سلطان اسحاق با استفاده از عقاید خاص مذهبی و با بهره‌گیری از ذخائر غیر معنوی ایران پیش از اسلام و فرق غالی پس از اسلام که به ویژه در مناطق غرب ایران پراکنده بودند، مسلک کنونی یارسان را پی‌ریزی نمود. (صفی زاده، ۱۳۶۱: ۲۹)

(برای تداوم آیین خود، یارانش را سازماندهی کرد. ابتدا یکی از یارانش به نام پیر بنیامین را به سمت پیری و دیگر دوستش به نام داود را به سمت دلیل برگزید. سپس هفت تن از پیروانش را به عنوان هفت خاندان برای رهبری فرقه خویش انتخاب کرد. بدین ترتیب خاندانهای هفتگانه یارسان (مخفف یارستان به معنای یاران حق) تشکیل شد. این خاندانها عبارت‌اند از: شاه ابراهیمی، یادگاری، خاموشی

(سید ابوالوفاء)، عالی قلندری، میرسوری، مصطفائی، حاجی باویسی. در قرون یازدهم تا سیزدهم، چهار خاندان دیگر به نامهای زنوری، آتش بگی (مشعشی)، شاه حیاسی و بابا حیدری تشکیل شد. در نتیجه هم اکنون هر فردی از فرقه اهل حق، خود را منتسب به یکی از این یازده خاندان می‌داند و به فرزندان هر یک از این خاندانها سید گفته می‌شود که وظایف خاصی بر عهده آنان است. (خدابنده، ۱۳۸۸: ۴۰) گرچه بر پایه نظر جیحون‌آبادی، سلطان اسحاق سید نیست چون فرزند شیخ عیسی نیست و خارق‌العاده و غیر طبیعی متولد شده است. (جیحون‌آبادی؛ ۱۳۶۱: ۳۲۱-۳۲۹) ولی در جای دیگر او را سید موسوی می‌داند (جیحون‌آبادی؛ ۱۳۶۱: ۴۲۶)

در حالی که سایر رهبران فرقه همگی سیادت و تولد او را از نسل پیامبر می‌دانند. پیروان این فرقه معتقدند که بسیاری از رهبران و بزرگان این فرقه از طریق بکرزایی متولد شده‌اند. سلطان اسحاق گذشته از خاندانها، به منظور سازماندهی اهل حق، دسته‌های دیگری نیز ایجاد کرد و برای هر دسته وظایف خاصی تعیین نمود. (صفی زاده، ۱۳۶۱: ۲۹)

علاوه بر بنای خاندانها و تعیین پیر و دلیل برای خاندانها، تأسیس جم‌خانه به جای مسجد برای انجام امور عبادی، ایجاد روزه سه روزه، دستور سرسپاری (مراسمی برای پیوستن رسمی به فرقه اهل حق) به رؤسای خاندانها و دستور پرداخت نذر و نیاز از بدعت‌های مهم سلطان اسحاق است (افضلی ابراهیمی، بی تا، جلد ۳: ۶۵۸ (حامیم-ابوذر-شهاب)

پیشینه پیروان این مسلک در استان کرمانشاه با قومیت کرد بوده و پیروان اهل حق در ایران حدود ۲ میلیون برآورد می‌شود. جمعیت اهل حق در استانهای کرمانشاه، لرستان، آذربایجان شرقی و غربی، تهران، مازندران، زنجان و همدان گسترده شده است و بیشترین جمعیت اهل حق در استان کرمانشاه است.

اهل حق در دیگر کشورها نیز وجود دارند. در کردستان عراق و به ویژه در استان‌های کرکوک و سلیمانیه پیروان کیش یارسان با نام کاکائیه و با شمارشی بیش از ۲۰۰،۰۰۰ نفر وجود دارد. در ترکیه و آلبانی نیز گروه‌هایی به نام بکتاشیه (بگتاشی) و علویان وجود دارند که اهل حق ایران آنان را از شاخه‌های اهل حق می‌دانند. در سوریه نیز گروه‌هایی به نام‌های علویان سوریه، علوین، نصیری و علی‌اللهی شناخته می‌شوند و در قسمتهای شمال افغانستان و دیگر سرزمینهای این کشور گروهی با نام علی‌اللهی یا اسماعیلیه شناخته شده‌اند. (خدابنده، ۱۳۸۸: ۵۵ تا ۶۱) افضلی ابراهیمی، بی تا، جلد سوم: ۶۵۸

مردم اهل حق استان کرمانشاه علاوه بر اعتقاد به امامان و امام زادگان شیعه زیارتگاه‌های خاص خود را مقدس داشته که در این اماکن به دعا، دادن نذر و نیاز و عبادت می پردازند این اماکن در استان عبارتند از :

۱. بارگاه سلطان اسحاق در ده شیخیان
۲. بارگاه بابا یادگار در ریجاب کرند غرب
۳. پیر موسی در کرند غرب
۴. پیر بنیامین در کرند غرب
۵. بابا حیدر در روستای درانبار گوار از توابع گیلانغرب
۶. گذرگاه امام رضا در روستای محمدی سفلی از توابع گیلانغرب
۷. تکیه آسید براهه در توت شامی بخش گهواره کرند غرب
۸. سید محمد گوره سوار
۹. داوود در شیخان اورامان
۱۰. سید رضا بیگ ثانی در کرند غرب
۱۱. سید اسماعیل در کرند غرب
۱۲. سید درویش
۱۳. داوود از اصحاب زنگی در بابا یادگار در ریجاب
۱۴. چشمه غسلان بابا یادگار
۱۵. چشمه هانی تا شاه ابراهیم در بابا یادگار
۱۶. پیر یونس
۱۷. زیارتگاه تیمور دربان یاران گوران
۱۸. آرامگاه آسید شمسانی بیگ در گورا جوب گوران
۱۹. آرامگاه قلندر بیگ در قلعه زنجیر قلخانی
۲۰. غار بهلول در دالاهو
۲۱. گذرگاه بهلول در تنگه گول چشمه سفید
۲۲. آرامگاه آسید فرضی و شیخ امیر در روستای قزوینه صحنه
۲۳. تکیه و زیارتگاه عالی قلندر در طاویران جالوند
۲۴. آرامگاه سید عباس نوه شاه هیاس
۲۵. آرامگاه حاج نعمت الله جیحون آبادی در روستای جیحون آباد صحنه
۲۶. زیارتگاه خاندان آتش بیگ در روستای گره بان هرسین

۲۷. غار میربگ و هفت سواره در هوکانی کنند.

علاوه بر فرقه اهل حق، شیعیان نیز به گذرگاه امام رضا (ع) باور داشته و این مکان را به عنوان قدمگاه می‌شناسند و می‌توان به گونه‌ای ارتباط فکری با تشیع و باورهای شیعه را دریافت. پیروان این فرقه در زندگی خود هیچ گاه تشکیلات سیاسی نداشته‌اند و خواهان استقلال و تشکیل حکومت (در ظاهر) نبوده‌اند و از فعالیت در امور سیاسی پرهیز کرده‌اند و به نظر می‌رسد آنان به قیام باور ندارند و خداوند را در تجلیات و ظهورات مختلف قابل درک می‌دانند و امام آنها افراد مشخصی هستند که در افراد مختلف ظهور یافته‌اند و به نام «دون خداوند» نامیده می‌شوند و رهبری آنان را به عهده گرفته‌اند. در جدول زیر نام بیست و هشت نفر از این افراد آمده است.

با بررسی گذرای نام‌ها می‌توان ارتباط با بزرگان شیعه را در باورهای اهل حق یافت. محور باور خود را علی (ع) و حیدر گذاشته‌اند و باور به دادگری در او دیده‌اند. از سویی در نام‌های مقام دوم نام چند امام شیعه و یاران امام علی (ع) مانند سلمان، قنبر، ابوذر، مقداد، مالک اشتر، جابر و عمار یاسر وجود دارد. این نام بین همه شیعیان مشترک است و گزینش این نام‌ها به گونه‌ای ارتباط تنگاتنگ با شیعه دوازده امامی را نشان می‌دهد که این گونه نام‌گذاری‌ها نشان دیگری در زمینه ارتباط فکری بین شیعه و اهل حق است.

کسانی که زانوقت، آن دادگر به جام علی دیده اندر نظر

بدی بیست و هشت تن کمر بستگان که بودند عبد علی آن زمان

(جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۱۹۵)

جدول نام دون‌های فرقه (خواجه‌الدین، ۱۳۶۲: ۳۵. جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۶۶ تا ۶۸)

ر	مقام اول	مقام دوم	مقام سوم
۱	جبرئیل	سلمان	بنیام (بنیامین)
۲	میکائیل	قنبر	داوود
۳	اسرائیل	جابر	موسی وزیر
۴	عزرائیل	مالک اشتر	مصطفی داودان
۵	حور	فاطمه بنت اسد	رمزمبار
۶	عقیق	امام حسن(ع)	شاه ابراهیم
۷	یقیق	امام حسین(ع)	یادگار
۸	شنطیا	محمد	احمد

۹	طاها	حمزه	ابوالوفا
۱۰	یاسین	ابوطالب	عیسی
۱۱	مهلا	عمره	میر
۱۲	طاسیم	مقداد	مصطفی
۱۳	حامیم	ابوذر	شهاب
۱۴	پری	بتول	حبیب شه
۱۵	قرطاس	نصیر	عابدین
۱۶	قیماس	محمود پاتل	نریمان
۱۷	خلد	عباس بن عبدالمطلب	رستم
۱۸	قیطاس	عمار یاسر	احمدهاوار
۱۹	ایاس	مقبل	موسی سیاه
۲۰	شیمیا	جعفر بن ابی طالب	اسکندر
۲۱	رفائیل	محمد حنفیه	میر ورجم
۲۲	عنزئیل	عبدالله بن عباس	قلی
۲۳	هاروت	عقیل	شایدین
۲۴	طیطوس	بلال	ساکه
۲۵	هاروت	سعد بن قواص	شاه نظر
۲۶	گریان	ابوالمعجن	مراد
۲۷	شهبال	صالح	سلمان
۲۸	سلسال	عدی بن حاتم	قوالطاس

۲. مقدسات اهل حق:

اهل حق علاوه بر آن که همه مقدسات مشهود را در هر زمان و مکان برحسب اصول عقاید گفته شده تقدیس می‌کنند، خود نیز پنج چیز را مقدس می‌دانند که این پنج چیز برابرند و برتری بین آنها نیست.

اول **بیابس**؛ دربردارنده «ساج ناری» یعنی عهد و پیمان ازلی و قدیمی و «پردی وری» یعنی عهد و پیمان سلطان اسحاق با پیروان خود است. (حسینی، ۱۳۸۲: ۶۶۲)

دوم **کلام و سرانجام**؛ کلام بزرگان اهل حق است. مجموعه گفتار و عقاید پیشوایان اهل حق که در قرن هشتم و نهم تدوین شده، **سرانجام** نامیده می‌شود و همچنین گفتار بزرگان خود را مانند سرانجام و ...، **کلام** یا **دفتر** نیز می‌گویند و علمای این مسلک را هم **کلام خوان** می‌گویند. کتاب سرانجام اهل دارای شش بخش یا شش جزء است که عبارتند از: دوره هفتوانه، بارگه بارگه، گلیم و کول، دوره چهلتن، دوره عابدین، خرده سرانجام (صفی زاده، ۱۳۶۱: ۱۵)

گرچه برخی از فرق اهل حق کتاب اصلی خود را قرآن می‌دانند و عمل به آن را از واجبات مذهب خود می‌دانند. (آثار الحق؛ الهی، ۱۳۷۳، جلد ۲: ۴۴۳) و تمام احکام حلال و حرام و عقود و ایقاعات و نکاح و طلاق و همچنین ارث و معاملات اهل حق دقیقاً مطابق احکام قرآنی عمل می‌شود (برهان الحق، الهی، ۱۳۷۳: ۲۹۸ و ۲۹۹) و دفاتر اهل حق را مقدس می‌دانند و آنها را تفسیری عرفانی بر قرآن می‌دانند که به زبان رمز و راز توسط عارفان این فرقه بیان شده است. اهل حق اعتقاد دارند همان گونه که قرآن مکمل کتب آسمانی ادیان دیگر است، مطالب دفاتر اهل حق هم بعد از قرآن، شامل رمز و رازهای عرفانی و حقایق دینی است که تا زمان سلطان اسحاق مخفی مانده بود، پس عمل به دستورات آن واجب است و باور دارند که در گذشته تحریفاتی در آن رخ داده است. (مصاحبه با مردم اهل حق)

سوم **جم و جم خانه**: محلی است که اهل حق برای اجرای مراسم خاص خود در آنجا جمع می‌شوند و در بین پیروان اهل حق از اهمیت خاصی برخوردار است. از نظر برخی خاندانهای اهل حق شرکت در جم به جای عبادات همیشگی، کافی است. (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۵ تا ۵۵)

چهارم **نذر و نیاز**: آنچه در جم‌خانه به عنوان نذر و بر طبق قانون اهل حق دعا داده شود را نذر گویند. (برهان الحق، الهی، ۱۳۷۳، ص ۲۷) نذر و نیاز از واجبات یارسان است و نزد اهل حق از احترام ویژه‌ای برخوردار است. (خواجه الدین، ۱۳۶۲: ۴۸)

اکثریت اهل حق براین باورند که نذر و نیاز و قربانی که در جم‌خانه به همراه مراسمی مثل شعر خوانی، تنبور زنی و خوردن غذاهای مختلف صورت می‌گیرد، به جای نماز محسوب می‌شود و کفایت می‌کند. (برهان الحق، الهی، ۱۳۷۳: ۱۰۲ و ۱۰۳)

پنجم **عهد و میثاق** یعنی پیمان و استواری که بیعت هم گفته می‌شود و به اصطلاح اهل حق شرط و اقرار گویند. (جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۴۵۵. صفی زاده، ۱۳۶۱: ۱۶۰)

این پنج پیمان دربردارنده رابطه با خدا و پیمان در ازل و بزرگ گروه و آداب رفتاری است، از مقدسات اهل حق بوده است و می‌توان گفت در تقدس کلام و سرانجام و جنبه‌های عرفانی آن با

تشیع، ارتباط فکری پیدا کرده است و به ویژه در سده های هفتم تا دهم این مساله نمود بیشتری پیدا کرده و گرایش به تشیع دوازده امامی زمینه سازی شده است.

در کنار این پنج چیز برخی از آنان به تقدس شیطان نیز باور دارند. و باید گفت پیروان اهل حق درباره شیطان دیدگاههای مختلفی دارند. برخی اهل حق به دلایل دفتری ملک طاووس (شیطان) را از فرشتگان و خاصان حق می دانند و معتقدند که مخالفت وی با خلقت آدم و حوا طبق مشیت و خواست پروردگار بوده که در ظاهر رانده شده و در باطن مورد لطف حق بوده و هست. هم چنین معتقدند پروردگار قادر بوده و هست که این بنده نافرمان را که موجب سرپیچی آدمیان از اعمال نیک گردیده، معدوم کند و شر او را از سر آدمیان دور سازد. نیز اعتقاد به قدرت شیطان در مخالفت با خواسته خداوند را کفر می دانند که به منزله شرک و دوگانگی است (القاصی، ۱۳۶۲: ۵۱) گرچه بیشتر اهل حق مانند دیگر مسلمانان، شیطان را ملعون می دانند.

۳. ارکان فکری اهل حق:

آیین اهل حق چهار رکن دارد و هر چهار رکن در یک بیت از کلام سرانجام به لفظ کردی خلاصه شده است:

یاری چار چیون باوری و جا پاکی و راستی، نیستی وردا

چار چیون: یعنی چهار چیز است. باوری و جا: یعنی به جا آورید.

(۱) پاکی: به معنی پاک بودن ظاهر و باطن است.

(۲) راستی: ضد کجی است، راه راست رفتن است و آن بجای آوردن اوامر و ترک نواهی خدا است.

(۳) نیستی ضد هستی: یعنی نابود کردن کبر و غرور و هوی و هوس نفسانی و تمام رذایل اخلاقی.

(۴) رد آ: از اصل ردء به معنی یاری و کمک کردن آمده است یعنی رنج خود و راحت یاران طلب.

پس ارکان دینداری چهار چیز است باید به جای بیاورید پاکی و راستی و نیستی و ردء. (برهان الحق،

الهی، ۱۳۷۳: ۲۲ و ۲۳) برخی بر این باورند که این اشعار اهل حق، همان پندار نیک و گفتار نیک و

کردار نیک زرتشت است که در اوستا آمده است و بدین روی این شعر را بر سر جمخانهها نصب

کرده اند.

۴. باورهای اهل حق:

برای تبیین ماهیت فکری اهل حق^۳ باید مؤلفه‌های حاکم بر نظام اهل حق شناخته شوند. نور علی الهی درباره اصول عقاید اهل حق بیان می‌کند که «در مسلک اهل حق اصول عقاید بر این پنج اصل می‌باشد: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد.» (کتاب برهان الحق، الهی، ۱۳۷۳، فصل چهارم: ۲۰)

سید قاسم افضلی نیز همین اصول را به عنوان اصول عقاید اهل حق قبول دارد. (حاج سیدجوادی، (بی تا) جلد سوم: ۱۱) گرچه تفسیر اهل حق درباره هر یک از اصول مختلف است، چنانچه دکتر بهرام الهی درباره کتاب آثار الحق می‌نویسد: آن مواردی در کتاب که ممکن است شبهه بیان عقاید در آنها به نظر برسد از قبیل بحث تناسخ یا تعبیراتی نسبت به ذات اقدس پروردگاری و یا درباره ائمه معصومان(ع)، ایشان در پی بیان عقاید و اصول اعتقادات نبوده‌اند و در واقع تعبیراتی بوده عارفانه و دارای تفسیراتی مختلف که نباید موجب برداشت‌های نامطلوب گردد. (آثار الحق، الهی، ۱۳۷۳: پیشگفتار)

۱،۴. توحید:

گاهی بین اهل حق و «علی‌اللهی» یکسان‌انگاری می‌شود و برخی از خاندان‌ها و سران آن‌ها علی(ع) را خدا می‌دانند، و اشکالات شیعیان به این نظر باعث شده است، برخی از مردم اهل حق این عقیده را رد کنند و توحید را به عنوان عقیده خود معرفی کنند. آنچه که در دفاتر و کتب مقدس آنها یافت می‌شود این است که علی(ع) را به عنوان ذات خدا معرفی می‌کنند، بدین معنا که ذات خدا در علی(ع) حلول نموده است. لذا تمام خاندانهای اهل حق در یکی بودن خداوند متفق القول اند و در دفاتر آنها این اصل به طور صریح و روشن بیان گردیده است (حاج سید جوادی، بی تا، جلد ۳، ص ۶۶۰. صفی زاده، ۱۳۷۵: ۱۹۵ و ۳۰ - ۳۱) به طور کلی اهل حق یکی از اصول اسلام یعنی توحید را قبول دارند. مسئله توحید و یگانگی خداوند را با اعتقادات پیش از اسلام مخصوصاً تجلیات ذات حق در افراد مختلف آمیخته کرده‌اند.

اهل حق درباره علی(ع) می‌گویند که او تجلی ذات خدا است و وی را مظهر تمام و کمال خدا می‌دانند و اوست که در هر دوره و عصری ظهور کرده و در جسم پاکان و مقدسات از اهل حق تجلی می‌کند. مذهب اهل حق با مذهب علی الهی متفاوت است؛ زیرا مذهب علی الهی، علی(ع)

^۳ . برای مقایسه این اعتقادات با شیعه جعفری ر.ک: تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، علی محمد ولوی، جلد

را به عنوان آفریدگار و صاحب اختیار و خداوند جهان و جهانیان می‌دانند. مذهب اهل حق به ویژه خاندان مشعشی، علی را به عنوان اولین امام مسلمین می‌شناسند و اعتقاد آنها این است که علی (ع) خدا نیست و از خدا هم جدا نیست. (حاج سید جوادی، بی‌تا، جلد سوم: ۶۶۰)

بنابراین در این زمینه با برخی باورهای شیعه در باور به جایگاه والای علی (ع) مناسبات فکری تنگاتنگی دارند و به دلیل گرایش‌های غلوآمیز درباره امام علی (ع) و هم چنین برخی باورهای پیش از اسلام، شیعیان و مسلمانان، آن گروه را به عنوان شیعه نشمرده اند.

۲.۴. عدل:

اهل حق خدا را عادل می‌دانند و اشعاری در اثبات این امر سروده اند. (آثار الحق، الهی، ۱۳۷۳، جلد ۱، صفحه ۲) در کتب و دفاتر آنها مبحث مستقلی مربوط به عدل وجود ندارد و در اشعار آنها یکی از مقتضیات عدل خداوند دون به دون شدن است (جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۱۷۷ تا ۱۸۱) باور اختصاصی و مرتبط در این زمینه با تشیع ندارند و نمی‌توان نشانه‌ای برای گرایش به تشیع آنان باشد.

۳.۴. نبوت:

اهل حق های ایران نبوت تمام پیامبران آسمانی را از جمله پیامبر اسلام قبول دارند و برخی از آنان مقام علی (ع) را از پیامبر (ص) بالاتر می‌دانند. گرچه این دیدگاه به بحث مظهریت خدا در علی (ع) برمی‌گردد که در ماجرای معراج پیامبر روشن گردیده است. (جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۲۰۶ و ۲۰۳) در این مساله نیز همان گرایش‌های غلوآمیز در باره علی (ع) در میان آنان مطرح شده است و به گونه‌ای با تشیع گره خورده اند.

۴.۴. امامت:

با وجود پذیرش اهل حق‌های ایران باور به امامت دوازده امام و ظهور امام زمان و استناد به دفاتر خود، اما تفسیر و توضیح آنها در باره امامت با آنچه شیعیان درباره امامت باور دارند متفاوت است و به مظهریت آنان باورمندند مانند هشت انجمن (هفتن، هفتون، هفت هفتون و...) (خواجه الدین، ۱۳۶۲: ۲۶) و درباره ائمه نیز از تعابیری که برای پیامبران بر مبنای اعتقاد به جلوه‌های حقانی دارند، استفاده می‌کنند. این مساله نیز نشانگر گرایش‌های غالیانه آنان در باره امامان (ع) است و باور به تشیع دوازده امامی را نیز می‌رساند به ویژه که در سروده زیر نام امامان دوازده‌گانه دیده می‌شود.

به مهمانشان بود جان آفرین	به تدریج بر تخت کرده نشین
که بودند از نسل هم زین مقام	بگویم اسامی ده و دو امام
دگر بُد حسن با حسین زان جلال	اول بُد علی ذات آن لایزال
بُدند در حقیقت ولیعهد یار	حسن شاه برام و حسین یادگار
همان عابدین است آخر بگاه	چهارم بُدی عابدین از وفا
باهل حقیقت بُدند پیشوا	دگر باقر و جعفر پاکراه
ز پس جعفر بود بنیام سر	که باقر بُدی میرسکندر بشر
دگر بُد تقی و نقی در بقا	بهفتم بُدی کاظم و پس رضا
رضا بود آن داود دستگیر	بُدی کاظم آن پیر موسی وزیر
نقی بود پیر رستم سر قطار	تقی بُد نریمان در آن روزگار
غروب کرد چون خور در آن چاهسار	بُدی یازده پس حسن در بشر
بخان حقیقت ز حق شد عیان	بخان شریعت چو گشتی نهان

(جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۲۲۱)

به گفته برخی، علی (ع) در وجود انبیاء و ائمه و اولیاء حلول کرده و باری دیگر در وجود امام دوازدهم مهدی که باز خواهد آمد، حلول خواهد کرد. به گفته گاردلوسکی مطلب اصلی تعالیم و باورهای این فرقه، شناخت لاینقطع الوهیت علی (ع) و تجلی آن حضرت بر زمین است. (بهرامی، ۱۳۷۸: ۲۶ و ۲۷)

۵،۴. معاد:

مردم اهل حق با اینکه به دونادون باور دارند، محشر، قیامت و حساب و کتاب را پذیرفته اند (حاج سیدجواد، بی تا، جلد سوم، صفحه ۶۶۱) اهل حق درباره مرگ، به تناسخ باور دارد و علاوه بر مکافات به یک محشر کلی نیز معتقد است. اهل حق درباره مرگ (دونادون یا جامه به جامه) چنین می اندیشند که با پذیرش تناسخ و دون به دون شدن روح، فقط جسم شخص متوفی از بین رفته و به خاک تبدیل می شود. ولی روح او بر حسب اعمالش به جسم دیگری حلول می نماید؛ لذا برای فنای جسم که به منزله تعویض لباس است شایسته نیست شیون و زاری نمود. (القاصی، ۱۳۶۲: ۴۹) منظور از دونادون (جامه به جامه) آن است که انسان با گردش در جامه های مختلف نتایج اعمال زندگی قبلی خود را می بیند و در پایان با عوض کردن هزار و یک قالب، روحش به ابدیت ملحق می شود. (صفی زاده، ۱۳۸۷: ۲۲)

علیرغم اشتراک معنایی دونادون با مفهوم تناسخ، صاحب نظران اهل حق تناسخ را با دونادون یکی نمی‌دانند. آنها دونادون را همان رجعت مذهب شیعه می‌دانند. (برهان الحق، الهی، ۱۳۷۳: ۶۲) و آن را به عنوان سیر تکاملی انسانها که هزار عالم است محسوب می‌کنند و اعتقاد دارند جسم مراحلی مانند بچگی، جوانی، میانسالی دارد و عوالم روحی نیز مراحلی دارد که هزار عالم است. (آثار الحق؛ الهی، ۱۳۷۳، جلد ۲: ۳۶۸) بنابراین اشتراک فکری اهل حق با تشیع نیز در این زمینه وجود دارد.

۵. آداب و احکام اهل حق:

گروه‌های مختلف اهل حق، بیشتر باورهای یکدیگر را قبول ندارند و گاهی به صورت صددرصد همدیگر را رد می‌کنند یا همدیگر را متهم به دروغ و ریا کاری می‌کنند و بعضی از سادات اهل حق فقط شجره‌نامه خاندان خود را معتبر می‌دانند و در اعمال آنها هم اختلاف فراوانی وجود دارد گاهی این اختلافات بین رهبران آنها بسیار عمیق است تا جایی که هر یک از رهبران، خاندان خود را اهل حق حقیقی می‌داند و بعضی از رهبران این فرقه، رهبران دیگر را تکفیر می‌کنند و یا کتاب‌های آنها را مردود اعلام می‌نمایند. چنانکه بعضی از خاندان‌های اهل حق نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند و به اعتقادات تشیع دوازده امامی بسیار نزدیک هستند و دارای کمترین میزان اختلاف با شیعه دوازده امامی می‌باشند، در حالی که برخی گروه‌های اهل حق نه نماز می‌خوانند و نه روزه می‌گیرند و یا روزه آنها در ماه رمضان نیست.

با این حال در ابتدا مسلک اهل حق به علت محدود بودن دامنه تشکیلاتی وحدت عمل و عقیده داشتند و بعدها به دلیل وسیع شدن محدوده جغرافیایی و نبود کلام‌های مکتوب معتبر و اختلاف زبان و ملیت و آداب و رسوم قومی و اجتماعی و سودجویی برخی پیشوایان محلی و دیگر امور اختلاف آنان بسیار زیاد شد و به همین دلیل پیروان اهل حق هیچگاه امت واحد و منسجمی نبوده‌اند چنان که گاهی از روستایی به روستای مجاور آداب و رسوم مختلف و گاه متضاد دارند.

نورعلی الهی از رهبران این فرقه، اهل حق را به سه گروه تقسیم می‌کند (آثار الحق؛ الهی، ۱۳۷۳، جلد ۱: ج): نخست؛ سرسپرده مسلک حضرت سلطان اسحاق و از کتاب برهان الحق بیرون می‌کنند؛ دوم؛ علی‌اللهی، نصیری، شیطان پرست که از موضوع بحث خارج هستند. اهل حق واقعی؛ طالبین حق اعم از سرسپرده یا غیر آن، که این گروه مورد نظر کتاب آثار الحق است. او در این باره می‌گوید «مسلک ما اهل حق است، مذهب ما شیعه دوازده امامی جعفری، امت ما امت محمدی، ملت ما ملت ابراهیم است» (آثارالحق، الهی، ۱۳۷۳، جلد دوم: ۵۰۳) اهل حق مسلمان و تابع احکام

قرآن است به عبارت دیگر تمام تکالیف شرعی خود را در اصول و فروع، حلال و حرام، اوامر و نواهی، وجوب و مستحب و مکروه کاملاً مطابق دستورات شرع مقدس انجام می‌دهند، سپس در مقام سیر و سلوک هم گام‌هایی برداشته و مراحل را می‌پیمایند. (برهان الحق؛ الهی؛ ۱۳۷۳: ۱۳۸ و ۱۳۹)

نورعلی الهی در کتاب برهان‌الحق، مسلک اهل حق را وابسته به مذهب شیعه دوازده امامی می‌داند. (برهان الحق، الهی؛ ۱۳۷۳: ۱۰) و می‌نویسد اهل حق های فعلی، همان طور که در اول برهان الحق گفته شده، به واسطه نداشتن کتاب مدون و بی‌اطلاعی از منشاء مسلک خودشان اغلب گمراه شده‌اند. بعضی خودشان را علی‌اللهی می‌دانند و غیره. آن قدر پیرایه بسته‌اند که قواعد اصلی پنهان شده، به همین دلیل برهان‌الحق را نوشتیم که حقیقت روشن شود. (آثار الحق، الهی، ۱۳۷۳، جلد ۲: ۳۹۱) با آداب و رسوم ویژه و اعتقاداتی که خاص این دین و مردم یارسان می‌باشد و بر این باورند که خالق جهان و تمام مخلوقات یکی می‌باشد و دارای یک ذات واحد است و حضرت سلطان را جلوه‌ای از حق و این ذات می‌دانند.

مردم یارسان به تمام ادیان و فرق الهی احترام می‌گذارند و به بیابوس که همان وحدت است پایبندند. (حسینی، ۱۳۸۲: ۷۱۳ و ۷۱۴) مکرری، مسلک اهل حق را یکی از رشته‌های انشعابی و وابسته به مذهب تشیع می‌داند. (جیحون آبادی، ۱۳۶۱: پنج) مینورسکی مستشرق معروف، مسلک اهل حق را جدا شده از مذهب شیعه می‌داند که سرانجام منجر به تشکیل یک سیستم مذهبی مجزا شده و در اساس آن افراط‌گرایی شیعه قابل مشاهده است. (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۳۸)

گروه دیگری از نویسندگان معتقدند گرچه اهل حق خود را مسلمان و شیعه می‌داند و مانند شیعیان به ائمه اعتقاد دارند، ولی اساس مذهب آن‌ها صرفاً اسلامی نیست. بلکه مرام آن‌ها مجموعه‌ای است از عقاید و تعالیمی که تحت تأثیر افکار زرتشتی، مسیحی، مانوی و کلیمی بوده‌است. آن‌ها نشان بارز تشیع در این مسلک را اعتقاد به وجود علی (ع) می‌دانند، ولی معتقدند ایمان و اعتقاد پیروان اهل حق درباره علی (ع) از حد متعارف خارج شده و به درجه غلو رسیده‌است. (سندجی، ۱۳۶۶: ۴۱)

۱.۵. جشنها:

بنا به نامه خرده سرانجام نخستین عید گروه یارسان عید روز پادشاهی است که در سال شش روز روزه مخصوص در دو نوبت می‌گیرند، نوبت اول: (روز غار) یا (روچه مرنوی) که از دوازدهم چله بزرگ زمستان تا چهاردهم آن است (دلیل آن اقامت سه روزه سلطان اسحاق در داخل غاری از دست

تعقیب کنندگانش است) و روز پانزدهم به نام روز پادشاهی یا روز سلطان اسحاق جشن گرفته می‌شود و در این روز به جمخانه می‌روند.

نوبت دوم: دومین جشن آیین یارسان جشن یاران قولطاس است که چهاردهم چله بزرگ زمستان لغایت هفدهم است و روز هفدهم بنام یاران قولطاس جشن می‌گیرند و دلیل آن این است که عده‌ای به نام یاران قولطاس در فصل زمستان پیمان می‌بندند که سه روز روزه در قله کوه شاهو بگیرند و در زیر برف می‌مانند تا اینکه سلطان نجاتشان می‌دهد و گروه یارسان به پاس گرامیداشت این رویداد هر ساله سه روز روزه یاران قولطاس می‌گیرند.

سومین جشن گروه یارسان، جشن نوروز است که برای پایان یافتن آفرینش و خلقت انسان است. بنا به نامه سرانجام، خدا پس از آفریدن انسان در دنباله آن که آغاز روز نوروز است بر تخت جای گرفت و هفت تن و چهل تن در پیشگاه او بزمی آراستند و برای آرامش و شادمانی خود آن روز را جشن گرفتند و به سماع و پایکوبی پرداختند. اهل حق در نوروز به جای هفت سین، هفت شین مانند؛ شکر، شیر، شیرینی و... می‌چینند (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۲: ۷۰۱ تا ۷۰۶) پس در برگزاری جشن‌های آیینی اهل حق هیچ نشانه‌ای از گرایش به تشیع و ارتباط فکری وجود ندارد.

۲,۵. نماز:

پیروان آیین اهل حق معتقدند که نماز امری وجودی و باطنی است و اغلب به جای نماز، نیاز می‌دهند البته اصل وجوب نماز را انکار نمی‌کنند و معتقدند که با نشستن در جمخانه و دادن نیاز لزومی به انجام و خواندن نماز در ظاهر نیست بلکه باید باطناً در حضور حق باشد به همین سبب در مناطقی که این فرقه با دیگران به طور مختلط زندگی می‌کنند اهل حق را نیازی و دیگران را نمازی می‌نامند. اهل حق نیاز را بالاتر از نماز می‌دانند. نیاز اهل حق همان نذور است که توضیحش می‌آید. گرچه برخی خاندان‌های اهل حق نماز می‌خوانند و عملاً عامل به احکام عبادی اسلام هستند. امروزه مشعشی‌های روستای بلوران و گره بان و اهل حق‌های کوه‌دشت و نورآباد هم نماز می‌خوانند و هم‌چنین برخی اهل حق‌های روانسر و بابا یادگاری نیز اهل نماز هستند.

۳,۵. روزه:

هر اهل حق مؤظف است سه روز در سال روزه دار باشد. پیروان اهل حق روزه را بیشتر در زمستان به جای می‌آورند و به آن «روزه مرنوی» گویند. با این حال در مورد تاریخ و نام این سه روز بین تمامی گروه‌های اهل حق عقیده یکسانی وجود ندارد و گروه‌هایی از اهل حق از جمله آتش بگی، روزه مرنوی را بر خود حرام می‌دانند و آن را به‌جای نمی‌آورند. (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۴۵)

۴,۵. قبله و حج:

قبله اهل حق مراتبی دارد. اهل حق به کعبه رفتن و به خانه خدا معتقدند و حج کامل یارستان اهل حق هم رفتن به کعبه معظمه است و در این باره بیاناتی و اشعاری در دفتر قید است. اهل حق کسانی را که برای زیارت به آرامگاه سلطان اسحاق بروند نیز حاجی می‌دانند. قبر سلطان اسحاق و بابا یادگار و سایر بزرگان اهل حق رو به قبله مکه معظمه قرار دارد. گفته‌ای از سلطان آمده است که «آنان که واجد شرایط باشند ملزم به انجام فرایض حج و کعبه خواهند بود و آنان که از نظر معیشت محتاج هستند به زیارت بارگاه من بیایند و برای آنان حج عمره محسوب می‌شود.» (ر.ک: خداینده، ۱۳۸۸: ۱۷۲ و ۱۷۳)

با توجه به اختلافات خاندان‌های اهل حق در ارتباط با احکام عملی اسلام پیداست که برخی شاخه‌ها که مقید به اعمال عبادی اسلام هستند، همه احکام تشیع را بجا می‌آورند.

۵,۵. شارب بلند:

یکی از مقدسات اهل حق، گذاشتن شارب بلند است و بعضی از خاندانها نسبت به آن تعصب زیادی دارند و آن را امری ضروری و واجب می‌دانند. بعضی آن را نشانه حفظ سنن ملی و باستانی می‌دانند که نشانه جوانمردی است و حتی امروزه افراد بسیاری به آن سوگند یاد می‌نمایند. هر چند دلایل دیگری نیز در باب وجوب آن ذکر می‌کنند. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: حسینی، ۱۳۸۲: ۷۰۷) و آن را یکی از نشانه‌های ظاهری یارستان می‌دانند و اشعار بسیاری هم توسط سلطان و دیگر یارانش نقل شده است. برخی افراد اهل حق استان (شاه حیاسی) مقید به داشتن شارب نیستند گرچه سایر اعتقادات اهل حق را انجام می‌دهند. (دکتر بهرام الهی رئیس خاندان شاه حیاسی در سال ۱۳۶۳ زدن شارب را بلامانع اعلام کرد). امروزه در بین جوانان اهل حق افراد بسیاری به این مسئله معتقد نیستند و بعضی از افراد دلیل آن را تأکید اسلام بر نظافت و پاکیزگی بیان می‌کنند. هرچند حضور در جامعه شیعی نیز بی‌تأثیر نیست.

۶,۵. دعاها:

دعاهای مرسوم در مناطق مختلف اهل حق نشین با مضامینی شبیه به هم و گاهی با الفاظی متفاوت خوانده می‌شوند. تفاوت لفظی از این روست که بیشتر دعاهای مرسوم کلامی نیستند و تنها به گونه شفاهی بین مردم رایج اند؛ مانند دعای جوز شکستن، دعای سفره، دعای رخصت (پایان حلقه جمع)، دعای تلقین میت، دعای زیارت اهل قبور، دعای خواب، دعای کلام خدمتکاران حقیقت، دعای چراغ و... (برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: حسینی، ۱۳۸۲: ۶۷۴ تا ۷۰۰)

۷,۵. دیگر آیین‌ها و احکام:

از دیگر احکام و آیین‌های همه اهل حق این است که تعدد زوجات را رد می‌کنند و با یک زن تا پایان عمر زندگی می‌نمایند و طلاق را نیز جایز نمی‌دانند گرچه عملاً این امر رعایت نمی‌شود. زنان با صورت گشاده در رقص‌هایی که ظاهراً جنبه تشریفات مذهبی دارد شرکت می‌کنند و خادمان دینی در برگزاری تشریفات مذهبی ایشان را یاری می‌دهند. بزرگداشت و پرستش بیشه‌های مقدس و بارگاه‌های اولیاء الله در میان آنان رواج دارد. در مجالس شبانه که همیشه شبها برگزار می‌شده قربانی می‌کردند. سفره عام برحسب تشریفات مذهبی گسترده می‌شد و شیرینی و دوغ و گاه پنیر و برنج و گوشت ذبیحه گاو نر و گوسفند و یا خروس صرف می‌شد. شاید این سفره تشریفاتی از آگاپه از دوران متقدم مسیحیت به واسطه سفره تشریفاتی اخوتی قرمطیان گرفته شده باشد. (بهرامی، ۱۳۷۸: ۲۹-۲۷).

بنابراین می‌توان در نگاه کلی گفت که در آداب بیشتر پیرو مراسم‌های عرفی خود هستند و در احکام نیز در بسیاری از موارد پیرو اسلام و گاه برخی باورهای عرفی خود هستند و نشانه‌ای برای گرایش به تشیع در میان آنان یافت نشده است.

نتیجه:

با وجود این که خاندان‌های اهل حق، اختلافات بسیاری با هم دارند اما آنچه که امروزه این فرقه درباره آن اتفاق نظر دارند، ظهور سلطان اسحاق در قرن هفتم هجری است. اهل حق در برخی اصول و باورهای اساسی مانند: اعتقاد به جامه به جامه شدن، غلو در مقام امام علی (ع)، غلو در مقام رهبران خود، اصل مراسم سرسپاری، تأسیس جم‌خانه به جای مسجد، تأسیس این فرقه توسط سلطان اسحاق و محل زندگی و دفن او با هم مشترک اند. برخی از این فرقه‌ها با انجام دادن اعمالی مانند «نیاز»، خود را از نماز خواندن بی‌نیاز می‌دانند که باور غلات شیعه دوره ائمه (ع) است و با باورهای اصیل شیعی تفاوت زیادی دارد.

اهل حق در زمینه مقدسات، ارکان فکری، باورها، آداب و احکام بیشتر به عنوان یک گروه با گرایش شیعی شناخته می‌شوند و برخی از فرقه‌ها مانند مشعشی‌ها و شاه حیاسی‌ها، همه ارکان مذهب دوازده امامی را به جا می‌آورند و باورهای آنان به باورهای شیعه نزدیک است، گرچه برخی خاندان‌های آنان در این زمینه‌ها دچار دگرگونی در باورها شده‌اند.

در آغاز به دلیل ارتباط با علویان مبارز گرایش به علویان دیده شده و کم‌کم در دوره‌های پسینی به دلیل جنبه‌های عرفانی و تصوفی گرایش و پیوند با تشیع دیده شده است و از دوره صفویه و پس

از آن وابستگی به تشیع زیاد شده و در دوره کنونی نیز به دلیل ارتباط گسترده با شیعیان؛ باورها، رفتارها و نمودهای تفکر شیعی در میان آنان زیاد گردیده است.

کتابنامه

- اعتمادالسلطنه، سعیدخان کردستانی، مینورسکی(۱۳۷۸)، **سه گفتار تحقیقی در آیین اهل حق**، ویراستار محمدعلی سلطانی و مریم بانو رزازیان، تهران: نشر سپاه.
- افضلی ابراهیمی، سید قاسم(بی تا)، **مکاتبات با دایره المعارف تشیع**، خطی کرمانشاه، بی نا.
- القاصی، مجید(۱۳۶۲)، آیین اندرز و رمز یاری، تهران: کتابخانه طهوری.
- الهی، بهرام (۱۳۷۳)، **آثار الحق** (گفتارهایی از نور علی الهی)، جلد ۲ و ۱، تهران: نشر جیحون.
- الهی، نورعلی (۱۳۷۳)، **برهان الحق**، تهران: انتشارات جیحون.
- بهرامی، ایرج(۱۳۷۸)، **اسطوره اهل حق «جستاری تاریخی پیرامون مهر و مهرپرستی، اهل حق (یارسان)»**، مقدمه دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: نشر آتیه.
- جیحون آبادی، حاج نعمه الله(۱۳۶۱)، **حق الحقایق یا شاهنامه حقیقت** (تاریخ منظوم بزرگان اهل حق)، با مقدمه دکتر محمد مکرری، تهران: شرکت افست سهامی عام.
- حاج سیدجوادی، احمد صدر(بی تا)، **دایره المعارف تشیع**، کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی، جلد ۳، بی نا.
- حسینی، سید محمد(۱۳۸۲)، **گردآورنده، دیوان گوره (کتاب مقدس و کلام منظوم عصر حضرت سلطان سحاک)**، انتشارات باغنی.
- حسینی، سید محمد(۱۳۸۹)، **روح‌تاو از شاهو تا برزنجه مجموعه کلامی از متون کهن یارسان (اهل حق)**، گردآوری و ویراسته، چاپخانه شفقان، انستیتو فرهنگی کُرد، عراق - سلیمانیه.
- خدابنده، عبدالله(۱۳۸۸)، **شناخت فرقه اهل حق**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خواجه الدین، سید محمد علی(۱۳۶۲)، **سرسپردگان**، تهران: نشر منوچهری.
- سلطانی، محمد علی(۱۳۷۶)، **قیام و نهضت علویان زاگرس یا تاریخ تحلیلی اهل حق**، تهران: ناشر موسسه فرهنگی نشر سپاه، چاپ اول.
- سندجی، میرزا شکرالله(۱۳۶۶)، **تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان**، با تصحیح حشمت‌الله طیبی، بی نا.
- صفی زاده بوره که ئی، صدیق(۱۳۶۱)، **دوره هفتوانه جزوی از نامه مینوی سرانجام**، تهران: طهوری.

----- (۱۳۶۰)، صدیق، مشاهیر اهل حق، تهران: کتابخانه طهوری.

----- (۱۳۸۷)، اهل حق، چاپ غیر رسمی.

----- (۱۳۷۵)، نامه سرانجام (کلام خزانه)، تهران: انتشارات هیرمند.

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و انجمن ادیان و مذاهب (۱۳۸۹)، قم: ناشر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

والیزاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۲)، تاریخ لرستان روزگار پهلوی، تهران: انتشارات حروفیه.

ولوی، علی محمد (۱۳۶۷)، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات بعثت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Analyzing Shiism and the religious nature of the Ahl al-Haq sect in western Iran

Nosratbanoo Azizi / Mohammadreza Barani

Abstract:

Considering the many differences between the beliefs of the internal branches of a religion, it plays a very important role in recognizing the original beliefs and the intellectual connection between religions. In the meantime, the recognition of different Shiite sects and groups has a valuable place due to the influence of the process of important events in the history of Islam. There have been wrong views about this sect, which originated from the fact that the secrets of the Ahl al-Haq were the "Mystery" among them, to the point where they considered the groups of Ali Allahi, Ahl al Haq and Satan worshipers in the same category, and separated them from the Ghali groups and Similarities in beliefs of some Ahl al-Haq families with Twelver Imami Shi'ism, it is necessary to know their intellectual and religious nature. In this regard, investigating the origin of this sect and its founders, their beliefs in the principles of religion and especially Imamate, the number of imams and the position of the imam, as well as some of their religious customs and rules such as prayer, fasting, Qiblah, Hajj, and the five holy things of this sect are important issues. It is for research. In this research, the Shiaization of the Ahl al-Haq sect in western Iran, relying on Kermanshah and knowing the intellectual and religious foundations of this sect, relying on the documents of the Ahl al-Haq sect and the words of the followers of this sect, has been done and it has been a field research.

Keywords: Ahl al-Haq, intellectual nature, religious nature, Jam, Yarsan